

## سرانجام قوم عاد

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ  
در سرگذشت آنها درس عبرتی برای  
صاحبان اندیشه بود

در شماره گذشته مطالبی درباره دعوت حضرت هود و استقامت آن حضرت در برابر لجاجت و عناد قومش تقدیم گردید و اینک ادامه داستان و عاقبت کار.

با دقت در آیاتی که درباره امتهای پیامبران به صورت داستان در قرآن آمده، استفاده می شود که این قانون آفرینش است که اگر قومی شایستگی پذیرفتن نعمتهای معنوی و مادی خداوندی را نداشته باشند، آنها را از میان برداشته و دیگران را جایگزین می کند که لیاقت اینهمه لطف و رحمت الهی را داشته باشند. چرا که براساس آیات قرآن، خداوند انسان را جانشین و خلیفه خود در روی زمین معرفی می کند و می فرماید: «...أَنْتَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره، ۳۰): «...من در روی زمین، جانشینی [=نماینده ای] قرار خواهم داد...». «...و اذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح و زادكم في الخلق بصطة (اعراف، ۶۹): «...و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد، و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد...» که

این آیه درباره قوم عاد نازل شده است و....

و درباره پیروزی مستضعفان و پیشوایی و حاکمیت صالحان در روی زمین در فرجام جهان، می فرماید: «و تُرید ان نمَنّ علی الذّین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثین» (قصص، ۵). «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

قوم عاد هم از این قانون مستثنی نبودند هنگامی که حضرت هود با آنها صبر و استقامت و محبت و دعوت به حق و وعده درخواست رحمت الهی برای آنان، از آنان خواست توبه کنند تا رحمت خدا برایشان نازل شود و الا گرفتار عذاب و بلای الهی خواهند شد «و یا قوم استغفروا ربکم...»، آنان از روی عناد نه تنها به سخنان آن حضرت وقعی ننهادند، بلکه با تهدید و نسبت سفاهت، از قبول حق سر باز زدند (ان نقول الا اعتریک...) که در شماره گذشته به آن اشاره شد.

پیامبران و رهبران راستین پیوسته به وظیفه اصلی خود که دعوت به سوی خداست، عمل می کنند و هیچ وقت احساس خستگی نمی کنند هر چند مردم دعوت آنان را نپذیرند و یا حتی با تمسخر از کنار آنان رد شوند

### آخرین اتمام حجت

پس از آنهمه اصرار در دعوت به حق، سرانجام پیامبر خدا وقتی این سخنان دور از نزاکت را شنید و فهمید که آنان هیچگاه ایمان نخواهند آورد و به لجاجت و عناد خود باقی خواهند بود، از هدایت یافتن آن قوم ناامید شد و برای آخرین بار به آنان هشدار داد و آنها را به جانشینی گروهی دیگر پس از نابودی آنان تهدید کرد و گفت:

«فان تولّوا فقد ابغثکم ما ارسلت به الیکم و یستخلف ربّی قوماً

غیرکم و لا تضرّونه شیئاً ان ربّی علی کلّ شیئی حفیظ»<sup>(۱)</sup>.

«پس اگر روی برگردانید، من رسالتی را که به آن مأمور بودم، به شما رساندم، و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما می‌کند، و شما کمترین ضرری به او نمی‌رسانید، پروردگارم حافظ و نگاهبان همه چیز است».

و این اشاره به این است که پیامبران و رهبران راستین پیوسته به وظیفه اصلی خود که دعوت به سوی خداست، عمل می‌کنند و هیچ وقت احساس خستگی نمی‌کنند هرچند مردم دعوت آنان را نپذیرند و یا حتی با تمسخر از کنار آنان رد شوند حضرت هود هم در واقع به این مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید: شما خیال نکنید که اگر ایمان نیاورید، من چیزی از دست می‌دهم و یا فکر نکنید که من در کار خود کوتاهی کرده‌ام، بلکه این سوء انتخاب و اختیاری است که شما کرده‌اید و از نصیحت‌های من سر بر می‌تابید.

در معنی «ان ربّی علی کلّ شیئی حفیظ» گفته شده است که خدای من مرا از شر و آزار و اذیت شماها حفظ می‌کند<sup>(۲)</sup> چرا که من وظیفه خود را انجام داده‌ام و انجام وظیفه همیشه پیروزی است هرچند شما هدایت نشوید و سخنان مرا نپذیرید. و چون پشتیبان من خداست، شماها با داشتن اینهمه قدرت و توان، کاری از شما ساخته نیست. در واقع پیام حضرت هود به آن مردم این بود:

«نمی‌توانید ضرری به خدا برسانید چرا که پروردگار من حافظ و نگهدارنده همه چیز و هرگونه حساب است. نه فرصت از دست او می‌رود و نه موقعیت را فراموش می‌کند و نه پیامبران و دوستان خود را به دست نسیان (فراموشی) می‌سپارد و نه حساب هیچ‌کس از علم او بیرون است،

۲. مجمع البیان، ذیل آیه.

۱. هود: ۵۷.

بلکه همه چیز را می‌داند و به همه چیز مسلط است»<sup>(۱)</sup>.

### روز موعود فرا می‌رسد

همه انبیا و رهبران راستین الهی پس از ناامید شدن از هدایت قومشان و اتمام حجت برای آنان، آنها را از عذاب خداوندی برحذر داشته‌اند. اما متأسفانه کسانی که در برابر انبیاء متمرّدانه رفتار کرده‌اند، غالباً با غرور و تکبر خواهان به اجرا درآوردن آن وعده عذاب شده‌اند و این نیست مگر به خاطر ایمان نداشتن به قدرت خدا. قوم حضرت هود هم وقتی که آن حضرت آنان را از عذاب الهی برحذر می‌داشت و به سوی توبه دعوتشان می‌کرد، آنها می‌گفتند اگر راست می‌گویی عذاب خدایت ما را فرا بگیرد.

ما به یقین پیامبران  
خود و کسانی را که  
ایمان آورده‌اند، در  
زندگی دنیا و (در  
آخرت) روزی که  
گواهان به پا می‌خیزند،  
یاری می‌دهیم!

بالاخره پس از نومییدی هود نبی از هدایت آنان، خدای بزرگ براساس «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالدِّينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»<sup>(۲)</sup>: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم!». پیامبر خود را با پیروانش از عذاب و بلا نجات داد و ستمگران و متمرّدان را به سزای اعمال و عناد خود رساند چنانکه می‌فرماید:

«وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالدِّينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَا هُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ»<sup>(۳)</sup>: «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم، و آنها را از عذاب شدید رهایی بخشیدیم».

۲. سوره مؤمن (غافر)، ۵۱.

۱. ج ۹، ص ۱۴۰، ذیل آیه.

۳. هود: ۵۸.

همچنانکه در طوفان نوح هم پیش از آن که طوفان شروع شود، حضرت نوح به دستور خداوند پیروانش را سوار کشتی نجات کرد و سپس متمردان غرق شدند.

### نکته

این که پس از جمله «و نجینا هوداً و...» در صدر آیه، جمله مؤکد «و نجیناهم من عذاب غلیظ»، آمده، نشانگر این است که خداوند متعال برخلاف این تصوّر که وقتی بلا آمد، تر و خشک با هم می سوزند، می فرماید: ما ابتدا افراد با ایمان را از عذاب حفظ کردیم چنانکه در تفاسیر می خوانیم:

«قبل از آن که مجازات افراد بی ایمان و یاضی و ستمکار را بیان کند، نجات و رهائی قوم با ایمان را ذکر می کند، تا این پندار پیدا نشود که به هنگام عذاب الهی طبق ضرب المثل معروف، خشک و تر باهم خواهند سوخت، چرا که او حکیم است و عادل، و محال است که حتی یک فرد با ایمان را در میان انبوهی بی ایمان و گناهکار مجازات کند»<sup>(۱)</sup>.

### علت عذاب و بلا چه بود؟

خداوند متعال به هیچ وجه بدون دلیل و علت، برای کسی عذاب و بلا نازل نمی کند چرا که او حکیم است و عادل، و این یکی از عقائد ما در مورد خداوند است و هر وقت که قومی گرفتار بلای آسمانی شده اند، علتی داشته است.

درباره قوم هود، خود آن حکیم عادل، علت مجازات قوم هود را چنین بیان

می کند:

۱. ذیل آیه.

«و تلك عادٌ جحدوا بآيات ربهم و عصوا رسله و اتبعوا كل جبارٍ عنيدي»؛ «و این قوم عاد بود که آیات پروردگارش را انکار کردند و رسولان او را نافرمانی نمودند و از فرمان هرستمگر دشمن حق پیروی کردند»<sup>(۱)</sup>.  
و بدین وسیله لعنت و ننگ ابدی را برای خود کسب کردند.

انکار پروردگار به صورتهای مختلف ظاهر می شود: گاهی ممکن است انکار، زبانی باشد و گاهی به صورت کفران نعمتهای الهی و گاهی به شکل عدم پذیرش دعوت رسولان و رهبران الهی و دشمنی با اولیا و اوصیا باشد که در نتیجه سبب بلا و گرفتاری آسمانی گردد.

انکار پروردگار به صورتهای مختلف ظاهر می شود: گاهی ممکن است انکار، زبانی باشد و گاهی به صورت کفران نعمتهای الهی و گاهی به شکل عدم پذیرش دعوت رسولان و رهبران الهی و دشمنی با اولیا و اوصیا باشد که در نتیجه سبب بلا و گرفتاری آسمانی گردد.

#### اسباب بلای عاد

معمولاً مجازاتهای الهی متناسب با گناهان و تکبر و غرور هر قومی بوده است. آنچنانکه قوم حضرت موسی در سحر تخصص داشتند، سحر آنان را با عصای موسی

خنثی کرد و... قوم عاد هم به خاطر کشاورزی گسترده و داشتن نیاز مبرم به باران از این طریق صورت گرفت زیرا معمولاً پیش از باران، جابجائی ابرها به وسیله باد که یکی از نعمتهای ارزشمند الهی به بشر است<sup>(۲)</sup>، انجام می گیرد و سپس باران رحمت خدا نازل می شود اما گاهی همان باد به دستور خدا تبدیل به نعمت و بلا می شود که درباره قوم عاد هم چنین شد. پس از مدتی<sup>(۳)</sup> که آنان با بی آبی منتظر

۱. هود: ۵۹.

۲. در این باره به کتاب «نشانه های خدا در قرآن» ص ۸۳ به بعد، اثر نگارنده مراجعه شود.

۳. هفت شب و هشت روز (تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۶ سوره فصلت)

باران بودند، بادی بلند شد و آنان خیال کردند مقدمه باران خواهد بود. اما هود پیامبر به آنها گفت: این، بادِ بلاست و آماده دریافت مجازات خدا شوید. چنانکه خداوند می فرماید:

«فَأرسلنا عليهم ريحاً صرصراً في أيام نحساتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يَنْصُرُونَ»<sup>(۱)</sup>.

«سرانجام تند بادی شدید (و ویرانگر) و هول‌انگیز و سرد و سخت در روزهایی شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم، و عذاب آخرت از آن هم خوارکننده تر است و (از هیچ طرف) یاری نمی شوند!».

در آیات دیگر قرآن نیز آمده است که تندباد، آنها را آنچنان بلند می کرد و بر زمین می کوبید که همانند تنه‌های درخت خرما که از ریشه کنده شده باشد، بی جان نقش زمین می شدند<sup>(۲)</sup>، بادی که «مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه کن شده از جابر می کند»<sup>(۳)</sup>.

بدین وسیله طومار زندگی آنان درهم پیچید و یک بار دیگر خداوند متعال قدرت نامتناهی خود را به رخ متمردان کشید.

شعبه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. فصلت: ۱۶.

۲. سوره‌های قمر، آیه ۱۹ و ۲۰ و سوره الحاقه، آیه ۶.

۳. قمر: ۱۹.